

کلیات

در موسیقی و ادبیات دری

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه‌گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلای مکتب خرابات

(سده‌های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور

بخش پنجم

انواع کلیات

کلیات‌های ادبی - اجرایی موجودی که طی هشتصدسال گذشته توسط شعرای زبان دری و موسیقیدانان ما سروده شده است؛ از لحاظ موسیقی، مقام‌های مختلف چهارچوب اجرای آن‌ها بوده؛ و از لحاظ ادبی قالب‌های شعری گوناگونی وسیله‌ی ارائه‌ی آنها قرار گرفته است. نمونه‌هایی که برای مباحث این رساله برگزیده شده، عمده‌ترین آن‌ها به اشکال رباعی، غزل، قصیده و مثنویست؛ و از جمله‌ی کلیات‌های سی‌وشش‌گانه‌ی که در مباحث بعدی از نظر شما خواهند گذشت، شش کلیات در قالب غزل، دو کلیات در هیأت قصیده، شانزده کلیات در چارچوب مثنوی، سه کلیات در چوکات قطعه، دوتا در شکل رباعی و شش دیگر نیز به صورت دوبیتی. ولی نه در وزن آن. آفریده شده‌اند.

با آنکه موضوع اساسی نوع کلیات یکدست بوده، بازتابنده‌ی ژنر واحدی می‌باشد؛ ولی این سروده‌ها از لحاظ کاربرد جنبه‌های مختلف مقامات موسیقی در داخل نوع واحد خود به دوازده گونه‌ی فرعی زیرین تقسیم می‌گردند:

- ۱ - کلیات مقام‌ها.
- ۲ - کلیات آوازها.
- ۳ - کلیات مقامات و آوازها.
- الف - کلیات اسامی مقامات و آوازها.
- ب - کلیات طریقه‌ی استخراج آوازها از مقامات.
- ۴ - کلیات مقامات و شعبه‌های مربوط به آن‌ها.
- ۵ - کلیات شعبات و گوشه‌های مربوط هر یک.
- ۶ - کلیات چند بعدی و مرکب.
- ۷ - کلیات مقام‌ها به ترتیب شد.
- ۸ - کلیات اوقات سرایش مقام‌ها.
- ۹ - کلیات انتساب مقام‌ها به بروج دوازده‌گانه.
- ۱۰ - کلیات خواص و تأثیر مقام‌های موسیقی.
- ۱۱ - کلیات انتساب مقام‌های موسیقی به پیامبران.
- ۱۲ - کلیات ضرب‌ها.

هرچند جستارِ حاضرهِ نگارنده برای بازشناسی نوع کلیات، پژوهشی بسیار جدی نبوده‌است؛ زیرا تدوین و تبویب آنچه از پارچه‌های منظوم کلیاتی که در جریانِ پژوهش نسخه‌های خطی زبان دری در موردِ موسیقی هندی، از برخی از نسخه‌های قلمی موجود در کتابخانه‌های افغانستان، ایران، تاجیکستان، اوزبیکستان، هندوستان، پاکستان، انگلستان، روسیه، آلمان و فرانسه توسط این قلم‌یادداشت گردیده بود؛ برحسب آنچه که در پیشگفتار این رساله یاد شد؛

اسباب ظهور کتاب حاضر فراهم آمد. امیدست پژوهشگران جوان و متخصص این رشته، کار را دنبال نموده، آنرا به شیوه بهتری بسر برسانند.

آنچه در دست دارید صرف آشنایی عمومی جوانان را با یکی از میراث‌های بزرگ فرهنگی نیاکان شان در هدف دارد که ناآگاهان متعصب در حال از بین بردن کلی آنند.



برخ تحت کلیات اسامی دوازده مقام

کلیات مقامات، قطعاتیست که در آنها صرف اسامی دوازده مقام یاد می‌گردد. از آنجاییکه موسیقی کلاسیک خراسانی طی تقریباً هزار و پنجاه سال گذشته در سرتاسر جهان اسلامی اشاعه و ترویج یافته است؛ نظام آن از یک طرف در درازای تاریخ و از سوی دیگر در پهنای جغرافیای این جهان، دارای تفاوت‌هایی گردیده؛ که عمده‌ترین آنها اختلاف در اسامی مقاماتست؛ زیرا از یک سو برخی از مقامات نام‌های محلی پیدا کرده و از طرفی دیگر دانشمندان مناطق مختلف؛ یکی مقامی را در محل شعبه قرار داده و دیگری شعبه را در جای مقام و یا مقام را در جای آواز آورده و برعکس آواز را در محل مقام برده؛ و به همین ترتیبست عوض نمودن محل گوشه با شعبه و موقعیت شعبه در میان گوشه‌ها که این امر تفاوت‌هایی را درین نظام موسیقی به میان آورده است. به‌طور مثال اگر صرف گستره‌ی زبان دری این‌ساحه را در نظر بگیریم - که بحث ما تأکید روی موسیقی همین منطقه دارد - با مرور شتابانی در آثار موسیقی این حوزه، با ناهمگونی‌هایی برمی‌خوریم که ناشی از سلیقه‌های محلی بوده؛ و گاهی هم نتیجه‌ی پیشرفت

دانش و افزونی تجربه‌ها در گوشه‌ی ازین منطقه.

به‌گونه‌ی که در بخش دوم یاد کردیم، قدیم‌ترین اثرِ نوشتاری موسیقی که اسامی مقامات را در گستره‌ی زبانِ دری به‌صورتِ کامل به‌دست داده؛ قابوسنامه‌ی عنصرالمعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس وشمگیرست که گویا در سال ۵۷۴ هجری تألیف یافته؛ و در آن از دوازده پرده. یعنی مقام. به‌صورتِ زیرین نام برده شده‌است: «راست، ماده، عراق، عشاق، زیرافگند، بوسلیک، سپاهان، نوا، گواشت و راهوی.» چون در مورد قابوسنامه و نوشتن آن در عصرِ مورد بحث شك وجود دارد؛ و از سوی دیگر مؤلفِ آن آوازه‌ی گواشت را در جمله‌ی مقامات شمرده و اسامی دو مقام را از قلم برانداخته و یا اینکه کاتبان نسخ کتاب او چنین کرده‌اند؛ و این سه امر اعتماد به‌کتابش را کمی خدشه‌دار می‌سازد، پس باید به‌سند مؤثقت‌تر دیگری استناد جست که گویا پس از قابوسنامه به‌رشته‌ی تحریر درآمده‌است؛ و آن رساله‌ی موسیقی محمدنیشاپوری. ملقب به‌فخرالملة والدین. دانشمند برجسته‌ی دربارِ بهرامشاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۷ ه؛ ۱۱۱۸-۱۱۵۲م) است که در اواخرِ عهدِ غزنویان تدوین یافته‌است. این دانشمندِ بزرگ نام‌های مقامات را به‌ترتیبِ زیرین ثبت اثرش کرده‌است:

- | | | |
|-------------|------------------|-------------|
| ۱ - راست. | ۲ - مخالفِ راست. | ۳ - عراق. |
| ۴ - مخالفك. | ۵ - حسینی. | ۶ - راهوی. |
| ۷ - اصفهان. | ۸ - ماده. | ۹ - بوسلیك. |
| ۱۰ - نوا. | ۱۱ - نھاوند. | ۱۲ - عشاق؛ |

ولی نویسنده‌ی نام‌معلومِ دیگری در حدود یکصد سال پس از نیشاپوری در نگاشته‌ی کوتاهش زیرِ عنوانِ المختصرالمفید فی بیانِ الموسیقی و اصول و احکامه برای برخی

ازین مقامات اسامی دومی نیز ذکر نموده؛ و سیاهه‌ی آنها را چنین ارائه داده‌است:

۱ - پرده‌ی راست

۲ - پرده‌ی عراق

۳ - پرده‌ی مخالفك، یعنی زیرافگند

۴ - پرده‌ی مخالفِ راست، یعنی اصفهان

۵ - پرده‌ی رهاوی

۶ - پرده‌ی حسینی

۷ - پرده‌ی نْهاوند یعنی زنگله

۸ - پرده‌ی زیرافگندِ بزرگ

۹ - پرده‌ی عشاق

۱۰ - پرده‌ی مایه

۱۱ - پرده‌ی بوسلیک

۱۲ - پرده‌ی نوا

بازهم یکصدسال پس ازین نویسنده‌ی نامعلوم؛ صفی‌الدین عبدالمؤمنِ بغدادی (درگذشته‌ی ۶۹۲ هـ) در رساله‌ی ادواش به زبان عربی، مقامات را چنین معرفی نموده‌است: عشاق، نوا، بوسلیک، راست، عراق، اصفهان، زیرافگند، بزرگ، زنگوله، راهوی، حسینی و حجازی.^۲

چنانکه می‌بینیم، در مکتبِ صفی‌الدین، مقاماتِ مخالفِ راست، مخالفك، ماده و نْهاوند جزء مقامات نبوده؛ در عوضِ آنها مقام‌های زیرافگند، بزرگ، زنگوله و حجازی آمده‌است؛ و از سوی دیگر او مقامِ عشاق را به‌جای مقامِ

راست که همان مقام يك‌گاه باستان زمانست؛ در مقام نخستین قرار داده است. در مقارنه‌ی این سیاهه با منبع دوم نیز دیده می‌شود که با وجود یادکرد مقایسه‌ی اسامی دوگانه‌ی برخی از مقامات، بازهم مقام مایه‌ی آن در نظام مکتب صفی‌الدین، حجازی شده است. چون رساله‌ی الادوار در بغداد به‌نگارش درآمده است، در آن بیشتر موسیقی بخش عرب جهان اسلام در محراق توجه مؤلف بوده، اسامی مقامات نیز روی همین منظور بازتابنده‌ی نظام مروج موسیقی در سرزمین‌های غربی جهان اسلامست؛ چنانچه عبدالقادر گوینده در جامع‌الالحان خویش باسیاهه دادن اسامی مقام‌ها می‌نگارد: «ادوار مشهوره نزد اعراب دوازده است، براین موجب: عشاق، نوی، بوسلیک، راست، حسینی، حجازی، راهوی، زنگوله، عراق، اصفهان، زیرافگند، بزرگ»^۴ که این نظام بعد از صفی‌الدین و به‌ویژه بعد از شهرت یافتن آثار عبدالقادر گوینده در خراسانزمین، پارس و پاردریا تا حدود زیادی جاگزین نظام اصیل خراسانی‌گردیده، مؤلفین بعدی به‌راه صفی‌الدین رفته‌اند، چنانکه حضرت نورالدین عبدالرحمن جامی - شاعر بزرگ کشور در عهد بایقرا - در رساله‌ی موسیقی اش این نظام را چنین بازشناسانده است: عشاق، نوا، بوسلیک، راست، حسینی، حجاز، راهوی، زنگوله، عراق، اصفهان، زیرافگند، بزرگ.^۵ و مؤلف گرانقدر «رساله در موسیقی» که شاعر نامور دیگر هرات در همان زمانست؛ اعنی مولانا کمال‌الدین علی بنایی، این نظام را عیناً مانند دیگران؛ عشاق، نوا، بوسلیک، راست، زنگوله، اصفهان، حسینی، حجاز، زیرافگند، راهوی، عراق و بزرگ معرفی کرده که در اغلب رسالات بعدی نیز همین شیوه تعقیب گردیده است؛ ولی برخی از آثار دیگر، مانند رساله‌ی

موسیقی استاد شاه‌محمد دلدوزِ هروی که معاصرِ جامی و بنایی بوده و رساله اش بیشتر بر مبنای تجاربِ عملی خود مؤلف به‌عنوان یکی از استادانِ موسیقی آن عهد، متکیست، نشان می‌دهد که عنعنهِ انتقالِ عملی و شفاهی نظامِ موسیقی خراسانی همدران زمان تأثیر کمتری از مکتب صفی‌الدین برداشته؛ بیشتر بازتابنده‌ی نظامِ سنتی خودِ خراسانزمین بوده است؛ و این می‌رساند که در سرزمین‌های دری زبان، همزمان دو نظامِ موسیقی رایج بوده، یکی نظامِ سنتی که محمد نیشاپوری قبلاً از آن یاد نموده بود؛ و دیگری نظامِ صفی‌الدین بغدادی که اتکای بیشتری بر تجاربِ دانشمندان موسیقی عربتبار داشت. بنابر همین علت بوده که صورت نخستین این نظام، بیشتر در بین دست‌اندرکارانِ موسیقیِ عملی یعنی اهلِ طرب رایج بوده؛ و شکل دومی که بنیادِ نوشتاری داشت، در بین پژوهشگران و نظریه‌پردازانِ موسیقی. حسنِ کاشانی شاعر، موسیقیدان و مؤلفِ سده‌ی هشتم که در کنزالتحفِ خود کلیاتی در اسامی مقامات سروده، پس از به‌شناسایی گرفتن مقام‌های دوازده‌گانه‌ی موسیقی، اشاره‌ی دارد که مؤید خوبی برای ادعای ماست؛ زیرا او نوشته است:

۱۰/۱:۵

عشاق و نوا و بوسلیک‌ست	از دوازده دور، بعد از آن راست
دیگر چو عداق و اصفهان‌ست	زیرافکن و پس بزرگ از آواست
زنگوله و (اهوی، مسینی)	وانگاه مجاز جمله پیداست

عبدالؤمن چنین نهاده‌ست

ایرادی اگر بود، نه برماست!۷

تذکر بیت اخیر حسن کاشانی می‌رساند که چنین ترتیب مقامات در روزگار او نیز مورد اعتراض و ایراد اهل عمل بوده است؛ و او با یادآوری این مسأله از خود رفع مسؤلیت نموده؛ در صورت اعتراض مخالفین این نظر، صفی‌الدین را به‌عنوان آماج تیر انتقاد آنها پیش کشیده است.

بهر حال، نظام ادواری موسیقی با وجود این دوگانه‌گی، چارچوب قراردادی معین خود را در همه جا حفظ نموده، اما طوری که در برخی از نمونه‌های کلیات خواهید دید، اسامی مقامات در پارس، خراسان، پاردریا، هند و عراق عرب و عجم همیشه تفاوت‌هایی داشته‌اند. چون منظور ما درینجا تحقیق در چه‌گونه‌گی اسامی مقامات و سیر تحولات آن نه‌بوده، بلکه با این بحث اندک طولانی خواستیم خواننده‌ی عزیز را آگاه سازیم تا در کلیات‌های سی‌وششگانه‌ی این رساله از روبرو شدن با چندگانه‌گی اسامی مقامات، سردرگم باقی نمانده، ریشه و منشأ این تفاوت‌ها برای شان آشکار باشد.*

سخنور دیگری کلیات اسامی مقامات را در دو بیت سروده که سلسله‌ی مراتب آنها دگرگونه است؛ چون این ترتیب در رسایل موسیقی به‌نظر نرسید؛ چنین پنداشته می‌شود که سراینده‌ی کلیات، ترتیب معین مقام‌ها را در نظر نه‌داشته؛ صرف به مقضای سرایش سخن، آنها را به‌چنین ترتیبی یاد کرده است:

۱۱/۲:۵

چون هست بوسلیک، مسینی، مقام راست

عشاق را ز زنگله در اصفهان نواست

زیرافگن و بزرگ عمل در عراق کن!

آهنگ در مجاز و (هاوی طرب‌فراست)^۱

بالآخره یکی از زیباترین قطعات کلیات که با تأسف هنوز سراینده‌ی آن را نمی‌شناسیم و پیش ازین نیز از آن یاد کرده‌ایم، سروده‌ی بیست در بازشناسی نام‌های مقامات که از دوازده مقام در دوازده مصرع (شش بیت) نام برده‌است. قدیمترین منبعی که به‌نقل این پارچه پرداخته، رساله‌ی موسیقی استاد شاه‌محمد دلدوزست که در عهد سلطنت حسین بایقرا در هرات به‌نگارش درآمده‌است؛ و به‌دنبال آن در رسالات خواجه سیف‌الدین عبدالرحمان غزنوی (نوشته شده در اوایل سده‌ی دهم هجری)؛ و رساله‌ی کرامت مجرای ابوالوفای دوره‌ی سفره‌چین (تألیف شده در حوالی ۱۰۲۰هـ) نیز نقل شده‌است. در رساله‌ی که داکتر عسکرعلی رجبی (رجبوف) به‌نام کوکبی بخارایی تدوین نموده‌اند؛ نقلی ازین کلیات وجود دارد که تفاوت‌های آن با سه نسخه‌ی ذکر شده، نشان‌دهنده‌ی تفاوت منبع وی با سرچشمه‌های قبلی می‌باشد؛ ولی آن دوست‌گرامی از دادن مأخذ کوتاهی نموده است. بھر صورت، کلیات مورد بحث را با مقابله‌ی چهار نسخه‌ی یادشده، پیشکش حضور خواننده‌ی عزیز می‌داریم:

۱۲/۳: ۵

در بزمگاه عشاق، ای بلبل خوش الحان

بنوا نوا خدا را از بهر بینوایان

راه عراق بسپیر؛ وز دل غمی برون کن

سوی مهاز بگذر از بهر وصل جانان

افکنده نغمه‌ی شوق، آشوب از مسینی

چون بوسلیک گشته آهنگِ دلربایان

زنگوله چون دلِ ما پیوسته در فغانست

زیرا بزرگی گشته با ما چو دلیرِ جان

ای نیکوانِ شیراز ما کوپِیِ شماییم

گاهی که نغمه سازید در پرده‌ی صفاهان

قولیست، بشنو از من؛ شاید که (است) باشد

در پرده‌ی (هاوی)ست، بانگِ هزاردستان^۱

چنانکه می‌بینیم، دو کلیاتِ نخستینِ مقامات، منطبق با اسامی مقام‌ها در

مکتبِ صفی‌الدینست؛ ولی در کلیاتِ اخیرِ صرفِ يك تفاوت به‌نظر می‌رسد و

آن اینکه اسمِ مقامِ زیرافکن را كوچك نامیده‌است.

به‌این ترتیب نوعِ نخستینِ کلیات در خدمت آموزش اسامی دوازده مقام برای

نوآموزان و علاقه‌مندان موسیقی سنتی قرار داشته؛ و از آنجاییکه نظم در ذهن

انسان بهتر جانشین گردیده، زود فراموش نمی‌شود؛ چنین کلیات‌ها تضمین قوی

به‌خاطر داشتن اسامی مقامات را بر عهده داشته‌است.





مدارک و پینوشتها:

- ۱ - رساله‌ی موسیقی محمد نیشاپوری. نسخه‌ی شماره ۶۱۲ C کتابخانه‌ی سن پترزبورگ روسیه. ورق ۲۷ ب مجموعه (ص ۱ رساله).
- ۲ - نویسنده‌ی نامعلوم. المختصر المفید فی بیان الموسیقی و اصول و احکامه. مایکروفلم شماره ۱۹۵ کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ورق ۳۶۲ ب مجموعه.
- ۳ - صفی‌الدین بن عبدالمؤمن بغدادی (ارموی). الادوار. ترجمه و شرح دری عبدالقادر گوینده. به‌اهتمام تقی بینش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. ص ۲۰۳.
- ۴ - جامع‌الالحان. صص ۱۱۱ - ۱۱۲.
- ۵ - جامی، نورالدین عبدالرحمان. رساله‌ی موسیقی. مایکروفلم شماره ۲۴ کتابخانه‌ی مرکزی اکادمی علوم افغانستان. صص ۱۰ - ۱۲. و نسخه‌ی شماره ۱۳۳۱ کتابخانه‌ی بیرونی پژوهشکده‌ی خاورشناسی فرهنگستان علوم اوزبیکستان. اوراق ۴۴۳ الف تا ۴۴۴ الف دیوان جامی.
- ۶ - رساله در موسیقی بنایی هروی. صص ۶۴ - ۶۸.
- ۷ - کنزالتحف حسن کاشانی نسخه‌ی شماره ۲۳۶۱/۶ Or کتابخانه‌ی بریتانیا

ورق ۱۸ رساله.

در رساله‌ی موسیقی میر صدرالدین محمد که در سال ۱۰۰۸ هـ در تهنه‌ی به‌نام سلطان حسین میرزای ارغون فرمانروای مستقل سند نوشته شده‌است، این کلیات با حذف مقطع و دگرگونی‌هایی در دو مصرع دیگر نیز نقل گردیده‌است که تفاوت‌های آن ازین قرارست:

مصرع دوم: زادوار ده و دو، بعد ازان راست.

مصرع چارم: زیرافگن و بس بزرگی اوراست

- صدرالدین محمد، میر. رساله در موسیقی. نسخه‌ی شماره ۲۸۲۷ کتابخانه‌ی بادلیان دانشگاه آکسفورد. جنگ شماره ۸ ویتفیلد اوراق ۶ الف تا ۹ الف. و نسخه‌ی شماره مم‌د/ ف ق/ ۷۸۰ کتابخانه‌ی سچل سرمست خیریور ایالت سند پاکستان. ورق ۱۲ الف.

* برای مطالعه‌ی سیر تاریخی اسامی مقامات؛ رک:

- جمعه‌یف. اسکندر (الکساندر جمایف). از پرده تا مقام. (به‌زبان انگلیسی) در مجموعه‌ی مقالات همایش موسیقی برلین زیر عنوان

Regionale maqam - Traditionen in Geschichte und Gegenwart. herausgegeben von Jurgen Elsner und Gisa Jahnichen. Berlin: {s,n.} 1992. vol 1.

از خانم پروفیسر فراغت عزیزوا استاد دانشگاه هنر تاجیکستان که از اشتراک‌کننده‌گان این همایش بودند؛ سپاسگزارم که متن مقاله‌ی همصنفی دوره‌ی دانشگاه‌شان - اسکندر جمعه‌یف - و مقاله‌ی خانم لورین اسکاتا در مورد فلک‌های افغانستان را در اختیار این قلم گذاشتند.

۸- بیاض خطی موجود نزد احرار مختاروف رییس پژوهشکده‌ی تاریخ اکادمی علوم تاجیکستان در سال ۱۹۸۸م. ورق ۴۳ الف.

۹- این کلیات از مقابله‌ی چهار نسخه‌ی زیرین فراهم آورده شده‌است:

- کرامت مجرای سفره‌چی. نسخه‌ی شماره ۴۰۱ کتابخانه‌ی گنج‌بخش

اسلام‌آباد. ص ۴.

- مختصری در بیان دوازده مقام غزنوی. ورق ۱۸۸ الف و ب مجموعه.

- رساله‌ی موسیقی شاه محمد دلدوز. ص ۲۰.
 - رساله‌ی موسیقی و رساله در بیان دوازده مقام کوبی بخارایی. ص ۶۵.
 (به خط سرلیک)

برابر سنجی نسخه‌ها:

مصرع نخست:

- دلدوز: در پرتگاهِ عشاق، ای بلبلِ خوش الحان
 - غزنوی: در بزمگاهِ سلطان، ای بلبلِ تناخوان.

مصرع دوم:

- غزنوی: بنما ره‌ی ثوابی، تا تازه داریم جان
 - سفره‌چی: بنوا نوا خدا را...
 - کوبی دو مصراع بالا را ندارد.

مصرع سوم:

- کوبی: راه عراق بسپار
 - دلدوز: عراق برگیر
 - سفره‌چی: ... وز دل الم...

مصرع چهارم:

- سفره‌چی: سوی حجاز بنگر در راه ...
 - دلدوز: ... بشتاب بر یاد ...

مصرع پنجم:

- دلدوز: افکنده دست حسرت آشوب در ...
 - غزنوی و کوبی: افکنده نغمه‌ی نو عشاق در حسینی

مصرع ششم:

- غزنوی و کوبی: در بوسلیک آن به گردی کنون غزلخوان

مصرع هفتم:

- غزنوی و کوبی: از زنگله دل من پیوسته در خروشت

- سفره‌چی: زنگوله چون دل من پیوسته در خروشت.

مصرع هشتم:

- غزنوی و کوبی: خاصه چو پرده سازی از نغمه‌ی صفهان

- سفره‌چی: زانسان که نغمه سازد در پرده‌ء صفهان.

- دلدوز: گاهی به نغمه سازید در پرده‌ی صفهان

مصرع نهم:

- غزنوی: ای اوستادِ بربط من کوچکِ شمایم

- سفره‌چی: ای گلرخانِ شیراز ما کوچکِ شماییم!

- کوبی: ای اوستادِ بربط من کوچکِ تو باشم

- دلدوز: ای نیکوانِ شیراز ما کوچکِ شماییم!

مصرع دهم:

- غزنوی: خواهم کنی بزرگم، در بارگاهِ سلطان

- کوبی: خواهم کنی بزرگش...

- سفره‌چی: شاید بزرگ گردیم در بارگاهِ شاهان.

مصرع دوازدهم:

- غزنوی و کوبی: در پرده‌ی رهاوی، بانگِ هزاردستان

- سفره‌چی: در پرده‌ی رهاوی صوتِ هزاردستان

- دلدوز: کز پرده‌ی رهاویست . . .

